

وحدت ملی چگونه بدست می آید؟

آنانیکه با برجسته ساختن یک زبان در یک کشور چند زبانه می‌خواهند، آنگونه که خود این مطلب را تلویحاً در نوشته های شان ابراز میدارند، به وحدت ملی دست پیدا کنند، باید بدانند که در دنیائی که ما امروز زندگی میکنیم و با توجه به حقایق غیر قابل انکار و اغماض، یعنی وجود اقوام، خرده فرهنگ ها و زبان های مختلف در یک کشور، چنین کاری ممکن نیست. چنین امری در زمان های گذشته، آنگاهی که حق و حقوق مردم را شاهان پرزور و شمشیر بدست جبار تعیین میکردند ممکن بود، ولی امروز که مشکلات و مسائل در روشنی تعبیری مانند حقوق بشر و عدالت اجتماعی و آزادی و برابری حل و فصل میگردد، رسیدن به این گونه آرزو ها از طریق زور شاهان یا حکومت های تحمیلگر دیگر غیر عملی است.

در عصر ما تنها و تنها دو چیز میتواند مؤلفه های اصلی و اساسی وحدت ملی در یک کشور چند قومی و چند زبانی باشد. یکی از این دو چیز سرزمینی است که مردم در آن زندگی می کنند و دیگر وجود عدالت میان تمام اقوام.

جامعه شناسان مؤلفه های زیادی مانند زبان و تاریخ و فرهنگ را برای وحدت یک ملت ضروری پنداشته اند. شکی نیست که مردمانی که به یک زبان تکلم می کنند و دارای عرف و عادات و رسم و رواج های مشابه و ریشه واحدی هستند نسبت به مردمانی که مشترکات شان باهم کمتر است، بیشتر متشکل هستند، ولی آنجا که چنین اشتراکاتی وجود ندارد یا کمتر وجود دارد، چه؟

بر سر عامل اول، یعنی بر سر افغانستان به عنوان محور اصلی و اساسی وحدت ملی فکر نکنم که هیچ قومی اختلاف داشته باشد. بر سر این محور به عنوان محور اساسی و اصلی همه ما هم نظر هستیم. ما همه افغان هستیم و افغانستان خانه ماست. نبود وحدت ملی، اگر گاه گاه از این زبان یا آن قلم چیزی شنیده میشود، تا جائیکه من متوجه شده ام، در این نیست که ما بر سر افغان بودن توافق نداشته باشیم. مشکل ما در واقع این است که در کشور ما با اقوام و با داشته های زبانی، فرهنگی و قومی شان برخورد برابر صورت نمیگیرد! آنانیکه شکایت دارند، میگویند: آره، افغانستان خانه همه ماست، اما در این خانه حقوق همه آنگونه که باید مراعات و احترام می شد، یا احترام شود، در عمل مراعات و احترام نشده است؛ و جائیکه حق و حقوق همه احترام نشود و عدالت وجود نداشته باشد بحث وحدت بحث بیهوده است.

تحمیل کلمات بیشمار پشتو در زبان فارسی دری بوسیله کمیسیون منتخب در دهه سی شمسی در کشور و دفاع از آن کار مقرون با احترام به داشته های فارسی زبانان کشور نبود؛ و نه هست! شفاخانه کلمه فارسی ایران نبود که آن را به بهانه تهاجم فرهنگی ایرانیان از زبان فارسی دری حذف و بجای آن کلمه روغتون را رسمیت بخشیدند. همچنین کلمات زایشگاه و دواخانه و غیره و

غیره. کلمات فارسی دری که در زبان پشتو راه پیدا کرده اند در نتیجه تماس فارسی زبانان با پشتو زبان و بشکل خود بخودی و بدون اجبار در این زبان در هم آمیخته اند، ولی کلمات پشتویی که بنابر پیشنهاد کمیسیون یاد شده بجای کلمات فارسی دری رواج داده شد، داد و ستد عادی میان زبان ها نبود. این نوع تشبثات و اقدامات قوام بخش وحدت ملی نیستند. چنین تلاش هائی میان مردم ایجاد بی اعتمادی و خصومت میکند - بحث های بعضاً درشت فعلی نتیجه همین تلاش های اشتباه آمیز میباشد. و ناگفته پیداست که وجود بی اعتمادی و خصومت میان مردم یک کشور بهترین راه برای نفوذ بیگانه ها در آنکشور است؛ بیگانه هائی که برای نفوذ و تضعیف بیشتر یک کشور منتظر بوجود آمدن درز های قومی - زبانی - دینی - مذهبی - هویتی - و فکری در میان مردم آن کشور هستند. اگر نیک دیده شود، این ما هستیم که ناهمیده زمینه نفوذ و تهاجم های گوناگون کشور های بیگانه در خاک خود را مهیا میکنیم!

آنچه سبب استحکام وحدت ملی در یک کشور چند قومه و چند زبانه ای که حال به حقوق خویش، بر مبنای تعابیر جدید، یعنی آزادی و برابری و دموکراسی آشنا شده است، میباشد، تطبیق عدالت و شناخت حقوق همه در جامعه است؛ نه تحمیل یک شخص یا یک فرهنگ یا خرده فرهنگ و زبان بر شخص و فرهنگ و خرده فرهنگ و زبان های دیگر.

خواهش من از آنانی که مصرانه، ولی بيمورد از اقدامات نادرست دولت های گذشته بنام قوم و خویش و همزبان و هموطن (به معنی عامیانه آن) دفاع میکنند، این است که بخاطر ایجاد تفاهم و صمیمیت بیشتر میان مردم و استحکام وحدت ملی و حفظ استقلال کشور کار های غلطی را که در گذشته از طرف اشخاص و دولت ها صورت گرفته است، اگر واقعاً و جدأ خواهان رفع تخصصات و تخالفات موجود در کشور هستند و خواهان وحدت ملی در کشور میباشند، به مثابه اولین قدم در این جهت، تقبیح کنند.

تلاش برای حذف فزیکتی یا فرهنگی دیگران دشمنی بوجود می آورد، نه دوستی و وحدت. اگر علاقه به وحدت ملت دارید، به یکدیگر احترام بگذارید و حقوق یکدیگر را مراعات نموده عدالت را پیشه کنید!

خواهش دیگر من از آنانی است که بی دلیل و بدون سنجش کلمات نامأنوس و کج و کلنج و بی ریشه بیگانه را به زبان خود راه میدهند. این ها، بخصوص صاحبان تلویزیون ها، سایت ها، روزنامه ها و مجلات باید در حد امکان بکوشند تا کلماتی که ناباب و نازیبا و دور از مفهوم هستند در تلویزیون ها، سایت ها، روزنامه ها و مجلات شان به نشر نرسد.

اصطلاح کج و کلنج شاید در لغت نامه ها وجود نداشته باشد، اما در زبان عامیانه مردم ما این اصطلاح زیاد بکار میرود!! وقتی از لغت نامه ها صحبت میکنم، منظورم لغت نامه های همسایه های ایرانی ماست که غالب ما ها باوجود این که دیده نداریم که آن ها را ببینیم، در مواقع ضرورت، ولی، تنها و تنها بدان ها مراجعه کرده حل مشکل میکنیم. بدیهی است که اگر ما به تدوین یک لغت نامه جامع فارسی دری که در افغانستان صحبت میشود میپرداختیم، معنی این اصطلاح و معنی اصطلاحات عامیانه دیگر مانند "تخته کردن" (چیزی را بزور در میان چیز های دیگر جا دادن) را میتوانستیم در آن ها پیدا کنیم. اما ما کجا و این کار ها کجا؟! اول باید از لت و پار کردن و یخن دریدن یکدیگر خلاص شویم!!

